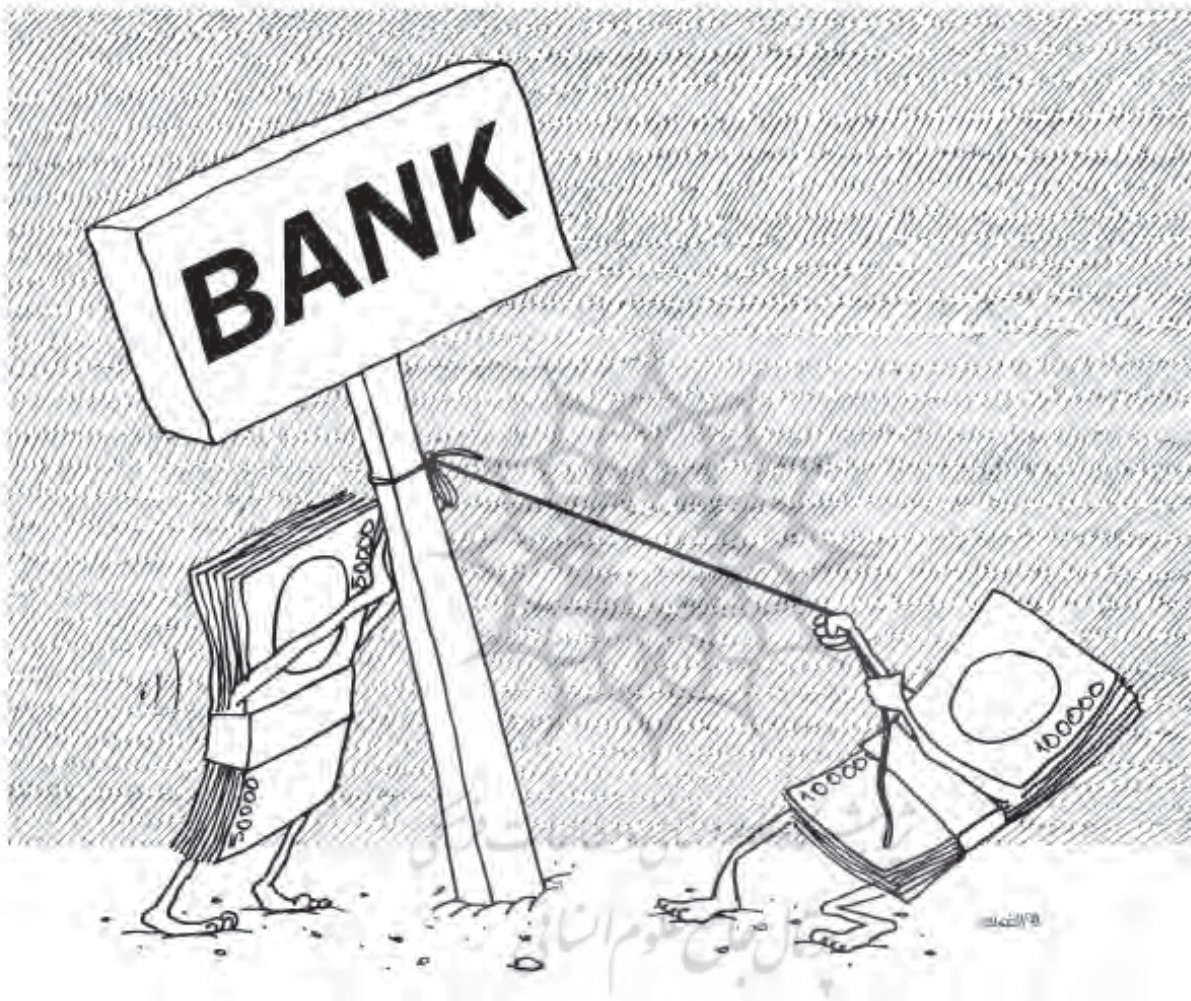


## کفایت سرمایه لازمه بانکداری نوین



تهیه: سهیلا و کیلی

در بازارهای مالی به وقوع پیوسته است. برای مثال، گسترش مفاهیم و مدل‌های ریسک اعتباری باعث سهولت طراحی ابزارهای جدید مالی و روش‌های قیمت‌گذاری شده‌اند و این امر گسترش دقیق بازارهای مالی را به دنبال داشته است. برای معرفی تغییرات مورد نظر در بازارها، کمیته بال سوئیس در ۱۶ ژانویه ۲۰۰۱، استانداردهای جدید کفایت سرمایه بانک‌ها را منتشر کرد و فرصت نهایی برای بحث و تبادل نظر در این زمینه

### مقدمه

بانک‌ها از دیرباز، به دلیل اعطای وام و تسهیلات با ریسک‌های مختلفی مواجه بوده‌اند. برای مقابله با این ریسک‌ها، کمیته‌های نظارت بانکی بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی که در شهر بال سوئیس فعالیت می‌کند، در موافقت‌نامه سال ۱۹۸۸ خود، معیارهای تعیین حداقل سرمایه برای فعالیت‌های بانک‌ها را منتشر کرد. بدیهی است که از آن تاریخ تاکنون تغییرات عمده‌ای

را به تاریخ ۳۱ ماه می ۲۰۰۱ میلادی موکول کرد. استانداردهای مورد نظر نیز تا پایان سال ۲۰۰۱ نهایی شد و پس از آن، از ابتدای سال ۲۰۰۴ لازم‌الاجرا بوده است.

### کفایت سرمایه

سرمایه نیز رکن مهمی از پشتوانه مالی هر بانک است که بانک را قادر می‌سازد هنگام رویارویی با مشکلات اقتصادی، توانایی بازپرداخت بدهی خود را داشته باشد. سرمایه علاوه بر آن که نقش مؤثری در ثبات مالی بانک‌ها و انگیزه‌های ریسک‌پذیری ایفا می‌کند، در این رقابت مثبت میان بانک‌ها نیز بسیار مؤثر است.

با توجه به این که تضمین نگهداری وجوه و منابع سرمایه معتبر موجب کاهش ریسک سپرده‌گذاران بانک‌ها می‌شود، یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی بانک‌ها، نسبت کفایت سرمایه است. این نسبت اولین بار در سال ۱۹۸۸ توسط کمیته باسل به بانک‌های دنیا معرفی شد.

### اقدامات مهم کمیته باسل

از مهمترین اقدامات کمیته باسل تهیه و انتشار اصول پایه در نظارت بانکی کارآمد و مؤثر و همچنین مقررات مربوط به کفایت سرمایه است.

در حال حاضر شیوه نظارت بر بانک‌ها در جهان از نظارت تطبیقی به نظارت مبتنی بر ریسک تغییر یافته است. از این رو بانک‌های مرکزی بازرسی و نظارت‌های مستقیم خود بر بانک‌ها را با استفاده از بررسی گزارش‌های مبتنی بر نظارت غیرحضوری اعمال می‌کنند. به این ترتیب نظارت مستمر بر موقعیت مالی بانک‌ها از طریق تجزیه و تحلیل اطلاعات دریافتی از آنها برای شناسایی به موقع ریسک پیشگیری از وقوع بحران‌های مالی احتمالی و انجام اقدامات اصلاحی برای نیل به اهداف نظارتی انجام می‌گیرد.

نظارت غیرحضوری امکان ارزیابی مستمر بانک‌ها را در مقاطع فصلی و حتی ماهانه فراهم می‌کند. به عبارت دیگر نظارت در فواصل کوتاه‌تر بر پایه تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی و سایر اطلاعات واصله از بانک‌ها می‌تواند به عنوان یک سیستم هشدار سریع در خصوص بانک‌های مسأله‌دار عمل کند. در این حالت بازرسان نظارت مستقیم با اطلاع از نقاط ضعف و با نگرشی روشن‌تر نسبت به تهیه برنامه بازرسی و حضور در بانک اقدام و عمده وقت و انرژی خود را به بررسی حوزه‌هایی که مواجه با

مشکل جدی هستند متمرکز خواهند کرد.

### نسبت کفایت سرمایه

نسبت کفایت سرمایه یکی از شاخص‌های ارزیابی عملکرد بانک‌هاست که از سوی کمیته مقررات بین‌المللی بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی، برای ارزش‌یابی مدیریت ریسک بانک‌های کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه تعیین شده است. بر اساس تعاریف مندرج در استاندارد بین‌المللی کمیته باسل، نسبت کفایت سرمایه عبارت است از:

$$\text{نسبت کفایت سرمایه} = \frac{\text{سرمایه بانک}}{\text{دارایی‌های ریسک‌پذیر حساب‌های انتظامی ریسک‌پذیر}}$$

که حداقل آن ۸ درصد است.

با استناد به چنین فرمولی بسیاری از کشورها برای دستیابی به نسبت مطلوب کفایت سرمایه از راه‌حل‌هایی مانند تأمین سرمایه بانک‌ها به وسیله انتشار اوراق بهادار سرمایه و بدهی مانند سهام و اوراق قرضه (مشارکت)، کاهش دارایی‌های مخاطره‌آمیز و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های کم ریسک‌تر، کنترل ریسک اعتبارات اعطایی به بخش‌های مختلف، فروش دارایی‌های با ریسک صد در صد و در نهایت اعمال نظارت قوی‌تر بر عملکرد سیستم بانکی استفاده می‌شود.

اقلام تشکیل‌دهنده نسبت کفایت سرمایه عبارت است از:

- \* سرمایه
- \* دارایی‌های ریسک‌پذیر
- \* اقلام زیر ترازنامه (حساب‌های انتظامی) ریسک‌پذیر

### سرمایه

سرمایه خود به دو دسته پایه ۱ و ۲ قابل تقسیم است:  
**سرمایه پایه ۱:** شامل سرمایه قانونی و سهام که در سود و زیان بانک مشارکت دارند و اندوخته‌هایی شامل اندوخته‌های قانونی، اندوخته عمومی و سهام و سود انباشته و اندوخته‌های تجدید ارزیابی دارایی‌ها و ...

**سرمایه قانونی:** سرمایه قانونی شامل سهام عادی نظام

پرداخت شده بانک‌ها و همچنین سهام ممتاز غیرانباشته دائمی است. منظور از سهام عادی نظام پرداخت شده، سهامی است که دارای حق رأی هستند و مبلغ اسمی آنها نیز پرداخت شده است. خاصیت سهام ممتاز غیرانباشته دائمی است که تمام آن در سود و زیان بانک‌ها مشارکت دارند و ویژگی دیگر آن است که چنانچه بانک دارای سود باشد، ابتدا سود سهامداران ممتاز غیرانباشته و

### اندوخته تجدید ارزیابی دارایی‌ها:

که خود به دو بخش تقسیم می‌شود و یکی این که در برخی کشورها شامل آن دسته از دارایی‌ها اطلاق می‌شود که ناشی از تجدید ارزیابی دارایی‌ها به نسبت بازار است و دوم این که برخی از بانک‌ها اندوخته مخفی ناشی از تجدید ارزیابی نگهداری اوراق بهادار سرمایه‌ای بلندمدت را هم به عنوان یکی از اجزای سرمایه درجه ۲ تلقی می‌کنند. به عبارت دیگر، شامل میزان قابل محاسبه اندوخته‌های مخفی ناشی از تجدید ارزیابی نگهداری اوراق بهادار سرمایه‌ای بلندمدت است که عبارت است از ۴۵ درصد مابه‌التفاوت قیمت بازار سهام و قیمت تمام شده آنها.

### ذخایر عمومی و ذخایر زیان وام‌ها:

شامل ذخایری است که برای جبران کاهش احتمالی دارایی‌ها و زیان ناشی از وام‌ها کنار گذاشته می‌شود و می‌تواند یکی از اجزای سرمایه درجه ۲ محسوب شود؛ به شرطی که حداکثر این ذخایر از ۱/۲۵ درصد دارایی‌های مربوط و یا در مواقع به خصوص و موقت حداکثر تا ۲ درصد دارایی‌های قابل قبول باشد. در این حوزه، ذخایر مربوط به دارایی‌های خاص و برخی بدهی‌های شناخته شده نباید مشمول این ذخیره‌ها باشد.

### ابزارهای تأمین سرمایه دومنظوره (بدهی و سرمایه‌ای):

ابزار تأمین مالی سرمایه‌ای ابزاری است که دارنده آن جزو سهامداران بانک قرار می‌گیرد و به چنین ابزاری اوراق بهادار بدهی گفته می‌شود. ابزار سرمایه‌ای دومنظوره ابزاری است که ضمن دارا بودن خواص و ویژگی‌های اوراق بهادار سرمایه‌ای، ویژگی‌های اوراق بهادار بدهی را هم دارا هستند که البته مشخصات آنها ممکن است در هر کشور با کشور دیگر متفاوت باشد به هر صورت این اوراق بهادار باید دارای مشخصات زیر باشند:

- \* بدون تضمین بوده، جزو اوراق بهادار و یا با رضایت قبلی مقامات نظارتی بانک قابل بازخرید با اختیار صادرکننده باشند نه قابل بازخرید با اختیار سهامدار.
- \* بدون آنکه در فعالیت‌های تجاری بانک توقفی به وجود آید، در زیان‌های حاصل سهام‌داران باشند. (برخلاف اوراق بهادار بدهی مشروط)
- \* اگر چه ابزارهای سرمایه‌ای که متضمن پرداخت بهره هستند و بهره آن نیز معمولاً کاهش نمی‌یابد (بر خلاف سود متعلق به سهامداران معمولی که ممکن است در طول سال مالی بنا به

سپس سود سهامداران عادی پرداخت می‌شود اما چنانکه بانک زیان داشته باشد، به سهامداران ممتاز غیرانباشته سودی تعلق نمی‌گیرد. در صورتی که به سهام ممتاز انباشته اعم از این که بانک سود داشته باشد یا زیان، سود مربوط تعلق می‌گیرد و انباشته می‌شود. بنابراین سهام ممتاز انباشته جزو سرمایه درجه ۱ محسوب نمی‌شود.

### اندوخته‌های انباشته: اندوخته‌های انباشته شده شامل

اندوخته قانونی، اندوخته عمومی و سهام، سود انباشته و سهم اقلیت در بانک سرمایه‌پذیر، در صورت‌های مالی تلفیقی است و اندوخته‌های مخفی و اندوخته‌های تجدید ارزیابی دارایی‌ها و سهام ممتاز انباشته جزو سرمایه درجه ۱ محسوب نمی‌شود.

### سرمایه درجه ۲:

شامل: اندوخته‌های مخفی، اندوخته تجدید ارزیابی دارایی‌ها، ذخایر عمومی و ذخایر زیان وام‌ها، ابزارهای سرمایه‌ای دومنظوره (بدهی و سرمایه‌ای) و بدهی‌های مشروط (تبعی) بلندمدت.

### اندوخته‌های مخفی:

اندوخته‌های مخفی به عنوان یکی از اجزای مکمل سرمایه درجه ۱ به شرطی که مورد پذیرش مقامات نظارتی بانک باشد،

شامل: اندوخته‌های مخفی، اندوخته تجدید ارزیابی دارایی‌ها، ذخایر عمومی و ذخایر زیان وام‌ها، ابزارهای سرمایه‌ای دومنظوره (بدهی و سرمایه‌ای) و بدهی‌های مشروط (تبعی) بلندمدت.

می‌تواند جزو سرمایه درجه ۲ تلقی شود. اندوخته‌های مخفی به‌رغم این که در ترازنامه‌های بانک‌ها منعکس نیست، اما کیفیت و ویژگی آنها در حد اندوخته‌های افشا شده است. به طوری که باید در هر زمان برای پوشش زیان‌های احتمالی آینده در دسترس باشند. این تعریف شامل اندوخته‌های مخفی ناشی از نگهداری اوراق بهادار به نرخ پایین‌تر از نرخ بازار نمی‌شود.





از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری تعیین کند.

شایان ذکر است، هیأت خدمات مالی اسلامی که وظیفه تهیه و تنظیم و ارایه مقررات احتیاطی نظارتی جدید و اصلاح و گسترش مقررات موجود در زمینه بانکداری اسلامی بر انطباق با مبانی اسلام - شرع را بر عهده دارد، با حمایت بانک توسعه اسلامی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان‌های حسابداری و حسابرسی برای مؤسسات مالی اسلامی و با شرکت تعدادی از بانک‌های اسلامی از سال ۲۰۰۳ میلادی فعالیت خود را آغاز کرده است.

هیأت مذکور (IFSB) که ایران نیز در آن عضویت دارد، در کوالالمپور مرکز مالزی تشکیل می‌شود، اخیراً دو استاندارد در ارتباط با کفایت سرمایه و مدیریت ریسک را تهیه و برای اظهار نظر بانک‌های مرکزی کشورهای عضو ارسال کرده است که پس از جمع‌آوری دیدگاه‌ها و پیشنهادهای بانک‌های مرکزی و نهایی شدن آن و تصویب استانداردهای مورد اشاره توسط مراجع قانونی ذی‌ربط کشورهای عضو قابلیت اجرایی پیدا خواهد کرد.

### نظارت بر تسهیلات نداریم!

دکتر هوشی عضو هیأت علمی دانشگاه و حسابدار ارشد انجمن حسابرسی در خصوص مباحث پیشگفت می‌گوید: منابع مالی بانک،

ضرورت پرداخت شود و یا پرداخت نشود) ولی گاهی اتفاق می‌افتد که به علت زیان‌های وارد شده به بانک، پرداخت سود یا بهره، ابزارهای سرمایه‌ای به سال‌های بعد منتقل می‌شود (مانند سهام ممتاز انباشته).

### بدهی‌های مشروط (مبتنی) بلندمدت:

این نوع بدهی‌ها شامل ابزارهای سرمایه‌ای تضمین نشده با حداقل سررسید ثابت ۵ سال و همچنین سهام ممتاز قابل بازخرید با اختیار سهامدار با هر محدوده است. برخلاف ابزارهای سرمایه‌ای دومنظوره، این ابزارها در زیان بانک سهیم نیستند. به همین دلیل مجموع این گونه ابزارهای قابل احتساب در سرمایه درجه ۲ حداکثر تا ۵۰ درصد سرمایه درجه ۱ هستند. از جمله این ابزارها می‌توان به سهام ممتاز قابل بازخرید با اختیار سهامدار و اوراق قابل بازخرید با اختیار دارنده و اوراق قرضه مشروط را نام برد.

یکی دیگر از اقلام تشکیل دهنده نسبت کفایت سرمایه، دارایی‌ها هستند که در مخرج کسر قرار دارند. از آن‌جا که دارایی‌های هر بانک دارای ضرایب ریسک مختلفی هستند، اقلام دارایی‌ها را به درجات ریسک صفر و ۱۰ و ۲۰ و ۵۰ و ۱۰۰ درجه تقسیم‌بندی کرده‌اند.

### مقررات مربوط به کفایت سرمایه ایران

با توجه به قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱ در ارتباط با تفویض اختیار به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران برای مداخله و نظارت بر مسائل بانکی و پولی بانک مذکور بر اساس مصوبه یک هزار و چهاردهمین جلسه مورخ ۸۲/۱۱/۲۵ شورای پول و اعتبار "آیین‌نامه کفایت سرمایه" را به بانک‌ها ابلاغ کرده است. بخش سه شماره م/ب/۱۹۶۶ مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۹ مدیریت کل نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به موجب ماده ۱ آیین‌نامه مذکور، نسبت کفایت سرمایه حاصل تقسیم سرمایه طبق تعریف ارائه شده در آیین‌نامه مربوط به سرمایه پایه به مجموع دارایی‌های موزون شده به ضرایب ریسک به موجب درصد طبق تعریف ارایه شده در ماده ۵ آیین‌نامه است.

بر اساس ماده ۳ آیین‌نامه مذکور حداقل نسبت کفایت سرمایه برای کلیه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری اعم از دولتی و غیردولتی ۸ درصد تعیین شده است و بانک مرکزی می‌تواند در مواردی که استانداردهای بین‌المللی یا ضرورت حفظ سیاست بانک‌ها و مؤسسات اعتباری اقتضا کند، حدود بالاتری را برای مقام یا برخی

بخش خصوصی و دولتی است. که در این جا بخش خصوصی به سمت تقویت سرمایه و دارایی‌ها پیش می‌رود تا ارزش سرمایه را حفظ کرده و از وارد کردن ریسک به دارایی جلوگیری کند.

در بخش دولتی چون مدیر توسط خود دولت تعیین می‌شود. بنابراین خواسته‌های دولت در برابر مسائلی از قبیل: نظارت، اعلام تسهیلات تکلیفی، اعلام نرخ بهره، اعلام منابع بانک، که در چه بخش‌هایی تسهیلات بدهد، عملی می‌شود و این مدیریت دولتی در مقابل عمل انجام شده قرار می‌گیرد.

وی در ادامه می‌افزاید: در بیشتر بانک‌های دولتی، بانک دولتی حکم صندوق را برای بانک مرکزی ایفا می‌کند و با این تفکر بانک دولتی به سمت افزایش سرمایه می‌رود، در صورتی که بانک خصوصی چنین اجازه‌ای را ندارد.

این استاد دانشگاه در ادامه می‌گوید: اگر در بانکی اقساط به موقع وصول نشود، منابع مالی کافی برای ارائه تسهیلات جدید نخواهند داشت. بنابراین باید به دنبال یافتن شیوه مدیریتی باشند که اقساط به موقع وصول شود و میزان اقساط معوقه کمتر باشد. از این رو زمانی که بانک دولتی پول کم می‌آورد، دچار کمبود نقدینگی می‌شود و اگر با برداشت صاحب سرمایه مواجه باشد که آن نیز عندالمطالبه است، بانک دولتی به سراغ بانک مرکزی می‌رود و شاهدیم که بانک‌های دولتی هر وقت پول کم آورده، از بانک مرکزی وامی با بهره ۳/۵ درصد گرفته‌اند و این قرض از بانک مرکزی نیز باعث خلق پول شده و از اثرات آن نیز تأثیر بر تورم بوده است و در سیاست اخیر کنترل تورم این بحث نیز حائز اهمیت است که باید به دو نکته توجه داشت: اولاً، بانک مرکزی از ادامه کار جلوگیری کند و بانک‌های دولتی که پول ندارند تا قرض‌ها را بدهند، از سیستم افزایش سرمایه استفاده کنند. اخیراً در لایحه‌ای که به مجلس ارائه داده شده، قرار شده است به بانک افزایش سرمایه تعلق گیرد تا برای پرداخت اقدام کند. این مسئله نیز به نوعی تفکر دولتی است که اگر از نظر دارایی کم آورد، به سراغ دولت برود و دولت هم سرمایه را افزایش دهد تا پایه سرمایه به حد مطلوب برسد. دومین مسأله این است که در بانک‌های خصوصی صاحب سرمایه اجازه نمی‌دهد با چنین کسری مواجه شود، زیرا معتقد است با توجه به موجودی بانک، باید تسهیلاتی ارائه داد که قابلیت وصول باشد و از اثرات ریسک آن کاست که در این جا هم اگر قرار بر دادن وام یا قرض باشد، اول باید وضع اعتباری متقاضی کنترل شود که برای چه امری این مبلغ خواسته شد و آیا بازدهی

سپرده‌ها هستند به اضافه وجوه حساب و وجوه حساب جاری و قرض الحسنه که این سپرده‌ها برای بانک هزینه داشته است.

او سپرده‌های بانک را حاصل جمع درجه سرمایه و منابع مالی می‌داند و حاصل جمع موارد یاد شده و حساب جاری قرض الحسنه را از وجوه قابل اعطایی بانک برای تسهیلات ذکر می‌کند و بخش دیگر دارایی بانک را دارایی ثابت بانکی می‌نامد که عمده دارایی نیز صرف اعطای وام می‌شود.

دکتر هوشی مصرف پول در بانک را شامل ضوابط و مقرراتی می‌داند و می‌گوید: "زمانی یک بانک می‌تواند سود کسب کند که تسهیلات ارائه دهد و بخش دیگر که هزینه حق‌الوکاله برای بانک نام دارد که از سال دوم به بعد از پول سرمایه و پول سود می‌تواند استفاده کند. سود که تقسیم شود و سپس اندوخته شود، می‌شود منابع متعلق به سرمایه که در بانک تداوم دارد.

وی می‌افزاید: تمام عملیات بانکی با چه نسبتی می‌تواند تسهیلات اعطا کند، در صورتی که پایه سرمایه داشته باشد. برای محاسبه معیار سرمایه، بانک بحث تمام شده قیمت اعتبار را پیش می‌کشد. حالا اگر قیمت، اعتبار نداشته باشد، بحث ریسک اعتبار پیش می‌آید و هر مقدار دارایی که قابلیت تبدیل به پول نقد را دارد، در حد ریسک کمتری است.

دکتر هوشی در زمینه تفاوت در اجرای عملیات بانک‌ها، به شیوه سنتی بانک‌ها اشاره می‌کند و می‌افزاید:

بانک‌های دولتی ما سنتی است، پس: (۱) از طرفی می‌خواهد تسهیلات بدهد که حد آن در حد توانش است و شامل داشتن سپرده‌های مردم و منابع بانک و اقساط از محل است که اقساط جدید را دریافت و وام‌های جدید می‌دهد یا اگر کسی پول می‌خواهد، توانایی پرداخت داشته باشد و حال در بانک دولتی چون در آن تسهیلات تکلیفی نیز حاکم است، خروجی زیاد است و چون پول تا مرحله وصول نیز زمان خواهد برد و این ازدیاد وقت مناسب نیست، مقابل ریسک "weeted"، ریسک دارایی است و پایه صاحب سرمایه نیز چون دولت است و از طرفی تسهیلات تکلیفی نیز بر دوش اوست ولی بحث ارائه تسهیلات مطرح نیز است و باید پول بدهد، مجبور است که سرمایه نقدی را بالا ببرد. در صورتی که در بانک خصوصی چنین اتفاقی نمی‌افتد، چون مدعی است که مدیر انتخاب کرده است که مدیریت وجوه کند و برای تسهیلات و سودها برنامه‌ریزی دقیق داشته باشد تا پشتوانه داشته و تأثیر مثبت بر دارایی ریسک داشته باشند. این، اختلاف عمده بین تفکر

به نام استاندارد بین‌المللی با نام کفایت سرمایه و نسبت سرمایه تعیین شده است که برای این موضوع نیز مسأله استاندارد بین‌المللی و استاندارد داخلی و مقررات داخل بانک‌ها مطرح است. نسبت سرمایه تعریف شده از نظر کمیته باسل به مجموع دارایی‌های ریسکی بانک اطلاق می‌شود که با یک حداقل ۸ درصد باشد، و برای ما، بانک‌های مختلف نسبت‌های مختلفی دارد. این نسبت‌ها در برخی بانک‌ها به میزان استاندارد لحاظ شده رسیده است و برخی نیز با آن میزان کمی فاصله دارد. دستورالعمل واحدی نیز در همه بانک‌ها برای رسیدن به این نتیجه لحاظ شده است.

او بحث کفایت سرمایه بانک را به دو بخش جداگانه بحث اول باسل ۱ سرمایه شماره ۱ و باسل ۲ سرمایه پایه شماره ۲ تفکیک می‌کند و می‌افزاید: استاندارد می‌کمیته بال گذاشته است، هر کشوری متناسب با وضعیتی که دارد این استاندارد را در امور بانکی لحاظ کند و بانک‌ها را طبق باسل ۱ بسنجد. مهمترین ریسک، ریسک اعتباری است. حالا این ریسک شامل خطرات است که در برگیرنده افراد یا طرف‌هایی است که گیرنده وام‌ها هستند.

وی در خصوص بحث نظارت می‌گوید: ما این‌جا مشکل نظارتی نداشته‌ایم، من از حوزه بانک مرکزی سخن می‌گویم، اما اگر اعتبار بخشی بانک‌ها مد نظر است، باید این اعتباربخشی به گونه‌ای باشد که اطمینان معقولی از بازگشت سرمایه و تسهیلاتی که به مردم می‌دهند، داشته باشند، ولی در عین حال با وجود این اعتباربخشی مناسب دو نکته حائز اهمیت است: اولاً هر وامی و هر تسهیلاتی احتمال عدم بازگشت آن وجود دارد و نکته دوم این که آن نسبت حداقل ۸ درصد که کمیته باسل مدنظر گرفته است، در باسل ۱ اولین مسئله را پوشش می‌دهد البته شامل باسل ۲ نیز می‌شود!

وی در جواب به این سؤال که برای افزایش سرمایه چه مواردی را می‌توان در نظر گرفت، به دو بحث اشاره می‌کند و می‌گوید:

دارد یا نه، آیا فرد متقاضی می‌تواند اقساط قرض را از محل بازدهی بدهد؟

دکتر هوشی در ادامه به وجود یک حسابرس ویژه در بانک اشاره می‌کند و می‌افزاید: وجود یک حسابرس ویژه در بانک‌ها ضروری است که متقاضی وام صورت‌های مالی حساب شده‌ای را ارائه دهد تا توان بازپرداخت افراد را به طور صحیح در ارائه وام لحاظ کند.

وی دومین امر را تعیین یک حسابرس از طرف بانک می‌داند

تا پیشرفت کار و پیشرفت پول را که حاصل نظارت مستقیم بر استفاده از موجودی است، مدنظر داشته و بر آن نظارت داشته باشد. وی می‌افزاید: زمانی که دولت ایران از بانک‌های جهانی قرض می‌گیرد، همین نوع حسابرسی ویژه نیز اعمال می‌شود؛ حتی ایران از IFC هم که قرض گرفته بود، روال به همین منوال بوده است.

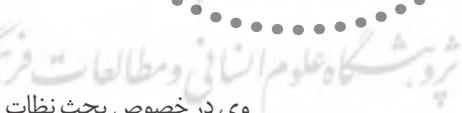
این استاد دانشگاه معتقد است: این روال در ایران فراموش شده است و یکی از نقاط ضعف ما نیز نداشتن نظارت از سوی بانک مرکزی است. در صورتی که در ماده ۲ تبصره ۴ مصوب سال ۷۲ بر این موضوع تأکید شده است.

وی بانک را در ایجاد تورم بی‌تقصیر می‌داند و می‌افزاید: دولت در مقام مسئولیت، افزایش تورم را که هزاران دلیل دارد، به درست یا نادرست به گردن سیستم بانکی می‌اندازد که اگر سیستم بانکی این نظارت‌ها را لحاظ کند این مسائل کمتر به چشم خواهد خورد.

دکتر هوشی یادآور می‌شود: ما در سیستم بانکی نظارت بر تسهیلات بانکی نداریم، شاید اسمی داشته باشیم اما شاهدی دال بر این مطلب نداریم.

اما پهلوان‌زاده کارشناس امور بانکی در بانک مرکزی در پاسخ به پرسشی مبنی بر این که برای کاهش ریسک دارایی چه می‌توان کرد، می‌گوید: سرمایه بانک و پوشش ریسک‌های بانکی و بخشی

**نسبت کفایت سرمایه یکی از شاخص‌های ارزیابی عملکرد بانک‌هاست که از سوی کمیته مقررات بین‌المللی بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی، برای ارزش‌یابی مدیریت ریسک بانک‌های کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه تعیین شده است**



بخش اول اداره کردن صورت کسر است که مقدار مکفی مقدار سرمایه است. در بانک‌های دولتی و خصوصی مکانیزم افزایش سرمایه متفاوت است که قاعده‌تاً در بانک دولتی راه قانونی طولانی‌تری برای ترمیم سرمایه بانک مطرح است، اما در بانک خصوصی شاید این راه کوتاه‌تر باشد اما اگر منظور دارایی ریسکی بانک است که بخش عمده این دارایی ریسکی را پورته‌فوی تسهیلات و وام بانک‌ها تشکیل می‌دهد، اما در منظور این است که به نحوی اداره می‌شود که متناسب با حداقل سرمایه بانک‌ها باشد. این دسترس بانک دولتی و بانک خصوصی است. بانک دولتی هم می‌تواند ریسک‌ها را تعریف کند و متناسب با میزان سرمایه خود دارایی ریسکی بپذیرد.

پس در شیوه مدیریت ریسک تفاوتی بین بانک خصوصی و بانک دولتی وجود ندارد. به هر حال بانک چه خصوصی و چه دولتی باید در برابر صاحبان سهام جوابگو باشد؛ چه صاحبان سهام دولت باشد و چه فرد حقیقی و حقوقی غیردولتی.

وی می‌افزاید: تفاوت کیفیت سرمایه در بانک دولتی و خصوصی به مکانیزم قانونی تأمین سرمایه برمی‌گردد که مکانیزم تأمین سرمایه در بانک دولتی طولانی‌تر است و قاعده‌تاً هم در خارج از بانک مثل هیأت دولت مشخص می‌شود، در حالی که در بانک خصوصی اعضای مجمع عمومی صاحبان سهام می‌توانند در مورد تعمیم سرمایه تصمیمات فوری‌تر و اجرایی‌تری بگیرند!

همچنین دارایی ریسک که در ریسک عدم بازگشت به بانک است به حداقل برسد که بخش مهمی از پورته‌فوی تسهیلاتی بانک جاری بماند. در بخش اعتبارسنجی، بین بانک‌های خصوصی و دولتی تفاوتی وجود ندارد و هر دو بخش بانک‌ها ملزم هستند مشتریان خود را اعتبارسنجی کنند و توانایی بازگشت سرمایه و پولی را که در اختیار مشتری می‌گذارند بسنجند و نرخ عدم بازگشت را در حدی معین متناسب با توانایی بانک و سرمایه بانک محدود کنند و در استانداردهای بین‌المللی و ایران در رابطه با نظارت بر مصرف منابع و اعتبارسنجی و بازگشت منابع سرمایه تفاوتی بین بانک خصوصی و دولتی نیست. گام اول، اعتبارسنجی است و البته بعد که اعتبار مشتری محرز و منابع به مشتری پرداخت شد، نظارت بر مصرف صحیح منابع و اطمینان از برگشت منابع مطرح می‌شود که در این مرحله نیز تفاوتی بین بانک دولتی و خصوصی وجود ندارد. پهلوان زاده در جواب به این که چه برنامه‌هایی برای افزایش سرمایه یا به عبارتی تأمین سرمایه در نظر گرفته شده است،

می‌گوید: اگر بانک دولتی باشد باید از طرف صاحبان سهام که دولت است منابع مشخص شود، اگر هم خصوصی باشد به نوعی به بازار بورس مربوط است. اگر سهام بانک قابل عرضه در بورس است، مکانیزمی برای جمع‌آوری این منابع یا جمع‌آوری این سرمایه از طریق صاحبان سهام خواهد بود و در واقع در استانداردهای بین‌المللی برای کیفیت سرمایه نیامدند، چرا که بانک ملزم به تأمین سرمایه است. حالا مکانیزم بانک دولتی برای تأمین سرمایه مکانیزمی است در بانک خصوصی. مکانیزم دیگر موضوع اصلی ترمیم سرمایه است تا به حداقل استاندارد برسد، اگر کیفیت داشته باشد سرمایه نیازی به ترمیم سرمایه نیست و کیفیت سرمایه از نظر کمیته‌ها تا حداقل استاندارد تأمین شده است که اگر پایین‌تر از آن باشد باید ترمیم شود که ترمیم سرمایه مطرح است.

آیا بانک‌های ما در شرایطی هستند که وارد بورس شوند و از منابع غیردولتی استفاده کنند با شیوه مدیریتی خوب و یا صورت‌های مالی شفاف یا سودآوری بالا یا جذابیت‌هایی که در بازار ایجاد می‌کند.

#### - چه جذابیتی؟

با مواردی از جمله نرخ default وام‌ها یا نرخ عدم بازگشت وام‌هایشان سال به سال کمتر شود. این جذابیت ایجاد می‌کند تا بازار سرمایه در ترمیم بانک شرکت کند.

#### و موارد مثبت و منفی چطور؟

قاعده‌تاً بازار این کار را انجام دهد از بانک در سال آینده مالی انتظاراتی از بانک خواهد داشت که اگر بانک این انتظارات را جواب دهد قطعاً بازار هم طی سالیان آتی در بحث تأمین سرمایه و ترمیم سرمایه ادامه خواهد داد و در غیر این صورت همین خواهد شد که بانک نمی‌تواند جامعه را به شرکت در تأمین و ترمیم سرمایه بانک ترغیب کند.

#### منابع:

از مجموعه مقالات ارائه شده در سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی از خانم مهناز بهرامی  
اجزاء تشکیل دهنده سرمایه درجه ۱ و ۲ از کتاب حسابداری  
میانه ترجمه و تألیف استاد منوچهر منوچهری  
روزنامه اعتماد، اسحاق محرابی